



www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

«فرهیختگان» از سقوط قدرت نرم، اقتصادی و نظامی آمریکا گزارش می‌دهد

تزلزل ۳ پایه قدرت آمریکا به روایت نخبگان



ابرقدرتی خارج شود. سقوط دووجه دارد؛ یکی اینکه کشورهای

متحد آمریکا دیگر دوستان خوبی برای آمریکا نباشند، و دیگر اینکه آمریکا مجبور شود خودش به‌تنهایی جنگ‌هایش را پیش ببرد و کشتارهایش را انجام دهد. در حال حاضر، هر دو اتفاق در حال وقوع است. اکنون فقط کشورهای اروپای شمالی از جنگ‌های آمریکا دفاع می‌کنند که این امر احتمالا تا پس از

دونالد ترامپ پدیده ناشناخته‌کاخ سفید آمریکا اگر چه با شعار «اول آمریکا» وارد کاخ سفید شد، اما سیاست‌های او و تنش‌هایی که در این دو سال در عرصه جهانی ایجاد کرده، «اول آمریکا» را به «آمریکا به‌تنهایی» تبدیل کرده است. او اتحاد ناتو را تضعیف کرده است؛ جنگ‌های دامنه‌دار تجاری را آغاز کرده؛ از پیمان‌ها و توافقنامه‌های بین‌المللی خارج شده و اتحاد خود را با متحدان آسیایی در امتداد ساحل اقیانوس آرام تضعیف کرده تا در آمریکا او را «کسی که ستون‌های قدرت جهانی ایالات متحده را نابود کرده است» بنامند. هر چند منتقدان دموکرات رئیس‌جمهور جمهوری خواه آمریکا، او را مهم‌به‌ه‌از بین بردن هژمونی آمریکا در جهان می‌کنند اما واقعیت متفاوت از نغذهای منتقدان به ترامپ است. واقعیت این است که نزول هژمونی آمریکانه از دوره ترامپ یا اوپاما که از سال‌های بسیار دورتر یکی از نگرانی‌های اصلی در آمریکا بوده تا جایی که پل کندی در کتاب ۱۹۸۷ «ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ» به آن اشاره کرده و از ورود آمریکا به دوره کاهش نسبی قدرت در بلندمدت خبر داده بود. امپراتوری آمریکا در دهه‌های گذشته برای تسلط بر جهان بر سه پایه «قدرت اقتصادی»، «قدرت نظامی» و «قدرت سلطه فرهنگی» استوار بوده است. سقوط این امپراتوری از یک ابرقدرت جهانی به یک چالشگری بی‌تأثیر در تحولات میدانی، چه با ترامپ و چه با حضور هر فرد دیگری در راس حکومت آمریکا دیر یا زود اتفاق می‌افتاد اما دونالد ترامپ نقش تسهیلگر را در این روند ایفا کرده است. استفاده آشنیاه دونالد ترامپ از سه ابزار قدرت رو به افول آمریکا، جاذبه‌های آمریکا را در فضای بین‌المللی دگرگون کرده است.

۹ فرسودگی در قدرت نرم

اگر در دهه ۵۰ قرن گذشته و تا دو دهه قبل، آمریکا در بسیاری از نمادها جایگاه اول را داشت، حالا و در قرن ۲۱ این کشور یک به یک به یک نمادهای اصلی‌اش را از دست داده است و دیگر کشور دلفریب و تأثیرگذار سابق نیست که بتواند با استفاده از قدرت نرمش در بسیاری از کشورها اثرگذار باشد. اگر تا یک دهه گذشته «لیبرال دموکراسی» در کشورهای جهان سوم آرزوی روشنفکران بود، حالا در خود غرب ارزش‌های لیبرال دموکراسی، زیر پا گذاشته می‌شود. شاید در دوران پس از جنگ جهانی دوم، افزایش ثروت سبب گسترش دموکراسی لیبرال غربی شد، اما با افزایش اختلاف طبقاتی، این نظرات سیاسی حاشیه‌ای هستند که هوادار پیدا کردند. این موضوعی است که پروفیسور راسنمن، رئیس بخش علوم سیاسی دانشگاه کمبریج به‌تازگی و درباره وضعیت کنونی دموکراسی غربی در دوره دونالد ترامپ، مطرح کرده است. او می‌گوید: «وقتی دستمزد مردم برای سال‌های متوالی افزایش نیابد آنها به طرف نظرات سیاسی حاشیه‌ای رانده خواهند شد. اگر مردم احساس نکنند وضع‌شان بهتر شده در جست‌وجوی سیاستمدارانی بخواهند آمد که بیشتر و بیشتر در حاشیه قرار دارند.» این همان چیزی است که در سال ۲۰۱۶ و در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا اتفاق افتاد. به اعتقاد او «در کشورهای فقیرتر این موضوع می‌تواند به فروپاشی سیاسی منجر شود، ولی در کشورهای نسبتا با ثبات غربی احتمال بیشتری دارد که به جای انقلاب نوعی سرخوردگی ایجاد کند.» او می‌گوید: «جامع ثروتمند ولی بی‌تحرک می‌توانند با دموکراسی‌های به هم ریخته برای مدت طولانی دوام بیاورند و ممکن است مسا اکنون در آغاز چنین روندی باشیم.»

دونالد ترامپ در دو سال گذشته متحدان آمریکا را از طریق تهدید در ناتو، تهدید جنگ تجاری و نبرد هسته‌ای بی‌بگانه کرده و قدرت نرم آمریکا را فرسوده کرده است. بر اساس نظرسنجی گالوپ که مردم از ۱۳۴ کشور در آن مشارکت داشتند، اعتقاد به رهبری آمریکا به پایین‌ترین حد خود یعنی ۳۰ درصد رسیده است. این میزان از دوره ریاست‌جمهوری اوپاما (۲۰۱۶) ۴۸ درصد بوده است.

یوهان گالتونگ، جامعه‌شناس مشهور نروژی که سابقه پیش‌بینی حوادث مهمی همچون فروپاشی شوروی و ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را دارد، در سال ۲۰۰۹ در کتاب «سقوط امپراتوری آمریکا و پس از آن چه؟» پیش‌بینی کرده بود آمریکا قبل از افول قدرت جهانی خود شاهد ظهور فاشیسم خواهد بود. وی در زمان انتخاب ترامپ به نشریه «مادربورد» گفت: «انتخاب دونالد ترامپ، روند کاهش قدرت آمریکا را تسریع خواهد کرد. دیدگاه انتقادی ترامپ به ناتو باعث می‌شود آمریکا از جایگاه

نگاه

بسیاری از اندیشمندان، اساتید دانشگاه، تحلیلگران و موسسات غربی نیز از سال‌ها پیش، افول آمریکا و تغییر هژمونی در جهان را پیش‌بینی کرده بودند.

۱۱۱

- جان ایکنبری**، «استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه پرینستون آمریکا: تغییر قدرت جهانی و افول قدرت آمریکا و تغییر نظام تک‌قطبی در جریان است. عصر آمریکا در حال پایان است و نظم جهانی شرقی جایگزین نظم جهانی غربی شده است. ما شاهد پیدایش قدرت‌های نوظهور هستیم؛ در حالی که قدرت آمریکا در حال فرسایش است. فرآیند انتقال به نظم جدید جهانی، مطلقا در حال وقوع است. در این فرآیند، شاهد کاهش و تنزل قدرت آمریکا و ظهور قدرت‌های جدید ازجمله چین هستیم. اغلب قدرت‌های نوظهور، قدرت‌های شرقی هستند و در ۵۰۰ سال اخیر، برای اولین بار است که قدرت‌های نوظهور غیرغربی، نظم جهانی را رهبری خواهند کرد. ویژگی اصلی نظم جدید، فروپاشی هژمونی آمریکایی و غربی است.
- گیدون راشمن**، «تحلیلگر سیاسی مجلات آمریکا: آمریکا باید به فکر سقوط خود باشد. ایالات متحده آمریکا دیگر هرگز موقعیت تسلط جهانی بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی را تجربه نخواهد کرد. آمریکا از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۸ که دچار بحران اقتصادی شد، ۱۷ سال از موقعیت هژمونی جهانی برخوردار بود اما با معضلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از بحران سال ۲۰۰۸، این موقعیت را از دست داده و دیگر هم این موقعیت را تجربه نخواهد کرد.
- میشل کاکس**، «استاد روابط بین‌الملل: در اوایل قرن ۲۱، ما شاهد حقیقتی جدید به نام «تغییر قدرت» هستیم. در این فرآیند، آمریکا و غرب در حال سقوط بوده و نظم جدید بین‌المللی توسط به‌اصطلاح بریکس (BRICs)، شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین در حال شکل‌گیری است.
- نوام چامسکی**، «اندیشمند آمریکایی: آمریکا امپراتور در حال سقوط است. اگرچه اصول تسلط امپریالیستی آمریکا تغییر کرده اما ظرفیت پیاده‌سازی آن به شکل قابل‌ملاحظه‌ای کاهش یافته است. آمریکا هم در داخل و هم در خارج در حال سقوط است.
- فرید زکریا**، «نظریه‌پرداز نئورئالیست: جهان در حال انتقال از عصر آمریکایی به عصر پس‌آمریکایی است. جهانی که در پیش داریم جهانی است که در آن ایالات متحده آمریکا نه رهبری اقتصادی و ژئوپلیتیک آن را برعهده خواهد داشت و نه بر فرهنگ آن چیره خواهد بود، بلکه قدرت آن سقوط خواهد کرد.
- رؤف نای**، «نئورئیسین جنگ نرم و دیپلماسی عمومی: آینده قدرت آمریکا به‌شدت مورد چالش است. بحران اقتصادی جهانی سال ۲۰۰۸ را می‌توان شروع سقوط آمریکا تفسیر کرد. «شورای اطلاعات ملی» پیش‌بینی کرده که در سال ۲۰۲۵ ایالات متحده به‌عنوان یک قدرت باقی می‌ماند اما سلطه آمریکا از بین خواهد رفت.
- آلفرد مک کوی**، «استاد دانشگاه و مورخ آمریکایی: مرگ ایالات متحده آمریکا

جهان‌شهر

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

استقلال مالی و سیاسی این کشورها در مقابل آمریکا لازم است. امضای قراردادهای تاریخی تجارت آزاد اتحادیه اروپا با ژاپن و آسه‌آن، قرارداد تجاری مابین چین و آلمان بعد از اعمال تعرفه روی کالاهای ساخت این کشورها، تلاش ایران، روسیه، ترکیه و چین برای مبادلات تجاری با ارزهای ملی، جایگزینی ین به جای دلار در خرید انرژی و نفت توسط چین و پرداخت هزینه خرید اس-۴۰۰ توسط هند به وسیله رویل به روسیه و تلاش این کشور برای تجارت با چین بر مبنای ین، اقدامات اقتصادهای برتر جهانی برای کنار گذاشتن ارز آمریکایی از مبادلات است. در حال حاضر نزدیک به ۴۰ درصد از معاملات جهان به دلار و حدود ۳۰ درصد معاملات به یورو انجام می‌شود. اگر این کشورها ارزهای ملی را جایگزین دلار کنند، کسری بودجه آمریکا جبران نخواهد شد و تورم در داخل آمریکا افزایش خواهد یافت. این روزها اقتصاد آمریکا به‌طور عملی از سوی کانون‌های اقتصادی مورد چالش قرار گرفته است. علاوه‌بر این، با رشد اقتصادی کشورها، سهم آمریکا در ثروت جهانی کاهش یافته است. براساس برخی برآوردها، ایالات متحده تقریبا ۵۰ درصد از تولیدات جهانی را در پایان جنگ جهانی دوم به خود اختصاص داده بود. تا سال ۱۹۸۵، سهم این کشور در حدود ۲۲/۵ درصد بود. امروز این سهم به ۱۵/۱ درصد کاهش یافته و براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۲۳ این میزان به ۱۳/۷ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین موسسه «پرایس واتر هاوز کوپرز» پیش‌بینی کرده است تا سال ۲۰۳۰ میلادی، آمریکا برتری خود را در حوزه اقتصاد جهانی از دست می‌دهد و تا سال ۲۰۵۰ میلادی، چین فاصله خود را با آمریکا به طرز قابل توجهی افزایش می‌دهد؛ این در حالی است که پیش‌بینی می‌شود تولید ناخالص داخلی چین تا سال ۲۰۵۰ میلادی، به ۵۸ تریلیون و ۵۰۰ میلیون دلار، هند به بیش از ۴۴ تریلیون دلار و آمریکا هم به ۲۴ تریلیون و ۱۰۰ میلیارد دلار برسد.

۹ افول قدرت نظامی بعد از جنگ عراق

علاوه‌بر کاهش قدرت نرم و قدرت اقتصادی، آمریکا قدرت نظامی خود را نیز از دست داده است. این کشور هر چند دارای بزرگ‌ترین بودجه نظامی سا رقم بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار است اما هرگز نتوانسته از منافع این بودجه‌هنگفت نظامی بهره‌برداری کند. این کشور اگر در سال ۲۰۰۱ با حمله به افغانستان و در سال ۲۰۰۳ با حمله به عراق، به دنبال اعمال سیاست‌های خود در منطقه غرب آسیا بود اما تقریبا به هیچ‌یک از اهداف خود دست پیدا نکرد. آنان که با هدف از بین بردن طالبان به افغانستان حمله کردند، پس از ۱۷ سال جنگ، ناچار به مذاکره با طالبانی شدند که اکنون نزدیک به ۱۵ درصد افغانستان را در اختیار دارد و در ۴۰ درصد دیگر با دولت این کشور درگیر است. در عراق هم آنان جای پایي پیدا نکرده‌اند و ناچار به خروج از این کشور در شرایطی شده‌اند و برای حفظ جان سربازان شان، ناچار به مذاکره با ایران شدند. آمریکا در این دو جنگ نزدیک به هفت تریلیون دلار هزینه کرد اما چیزی به دست نیاورد. این دو جنگ را می‌توان آخرین نبردهای جدی آمریکا در منطقه دانست. تجربه تلخ عراق و افغانستان این کشور را از ورود به جنگ دیگری بر حذر داشته است. به‌عنوان مثال در پرونده سوریه با وجود جنگ هفت ساله، آمریکا هیچ‌گاه حاضر به ضروری مشابه عراق و افغانستان در این کشور نشد و تنها در چند نوبت، آن هم با تبلیغات سنگین رسانه‌ای و با همکاری فرانسه و انگلیس، چند موشک به برخی پایگاه‌های سوری شلیک کرد؛ موشک‌هایی که البته تعداد زیادی از آنها در آسمان توسط سامانه‌های پدافندی سوریه سرنگون شدند. آمریکا به خوبی می‌داند که دیگر قدرت نظامی‌اش نقشی تعیین‌کننده در تحولات ندارند. این موضوعی است که در گزارش ۲۶ صفحه‌ای موسسه اسمیرکن اینترپرایز و موسسه سیاست خارجی آمریکا به آن اشاره شده است. براساس این گزارش دشمنان آمریکا شامل چین، روسیه و ایران در حال افزایش قابلیت‌های نظامی هستند که به آنها اجازه خواهد داد با نیروهای آمریکایی درحال افول و در حال فرسودگی در سال‌های پیش رو رقابت کنند. این گزارش می‌افزاید قابلیت‌های ارتش آمریکا پس از جنگ عراق و افغانستان رو به افول نهاده است. در بخشی از این گزارش آمده است: «جنرال مارک ولش رئیس نیروی هوایی آمریکا به «فاکس نیوز» گفت که فاصله قابلیت‌های نظامی آمریکا و دشمنان آن به اتمام رسیده است.»

اروپا

تحقیقات پلیس انگلیس درباره رویکرد ضدصهیونیستی حزب کارگر

پلیس انگلیس از آغاز تحقیقات خود درباره رویکرد ضدصهیونیستی حزب کارگر این کشور خبر داد. به گزارش «آسوشیتدپرس»، پلیس انگلیس از آغاز تحقیقات قضایی خود درباره اتهامات واردشده به حزب کارگر درباره رویکرد ضدصهیونیستی آن خبر داد و اعلام کرد این تحقیقات بنا به پرونده‌ای که به دفتر رئیس پلیس لندن ارسال شده، انجام می‌شوند. عمده اتهامات مطرح‌شده در این پرونده، مربوط به فعالیت‌های ضدصهیونیستی اعضای حزب کارگر از طریق راه‌اندازی رسانه‌هاست. در همین رابطه

اعلام‌بیانیه بالفور قرار بود مراسم شش‌می با حضور شخصیت‌های انگلیسی و اسرائیلی برگزار شود اما «جرمی کوربین»، رهبر حزب کارگر انگلیس اعلام کرد که در این ضیافت شام شرکت نمی‌کند. این اقدام کوربین موجب خشم صهیونیست‌ها شده به‌طوری که روزنامه «جرورالم‌پست» در مطلبی نوشت: «کوربین در حالی از شرکت در این مراسم خودداری کرده که بر اساس نظرسنجی حافظ ۱۳ درصد از یهودیان انگلیس در انتخابات آتی به حزب کارگر رای خواهند داد. در سال جاری نیز کوربین در سخنانی در لندن ضمن محکوم کردن کشتار فلسطینی‌ها در جریان تظاهرات در نوارغز اعلام کرد، سرپوش گذاشتن بر اقدامات اسرائیل در کشتار فلسطینیان معترض که به هیچ‌سلاحی مسلح نیستند باید متوقف شود.

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آبادکنول در نظر دارد استخر، بوفه و انتشارات خود را از طریق اجاره واگذار نماید. متقاضیان می‌توانند جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مربوطه با در دست داشتن فیش واریزی به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ریال به شماره حساب ۰۲۰۰۱۶۰۴۰۹۰۰۰ نزد بانک ملی به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آبادکنول حداکثر به مدت ده روز پس از انتشار آگهی به آدرس علی‌آبادکنول، بلوار دانشگاه، ساختمان اداری، طبقه دوم دفتر حقوقی مراجعه یا با شماره تلفن ۰۸۸۰۳۰۰۲۰۱۱۳۰۰(آقای حاجی‌زاده) تماس حاصل نمایند. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهاد مختار است. هزینه درج آگهی برعهده برنده مزایده می‌باشد. روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آبادکنول

آگهی مزایده

آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما وحدت‌آباد وابسته به مرکز آموزشی و فرهنگی سما تهران در نظر دارد مجموعه ورزشی خود را از طریق مزایده به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت می‌گردد با در دست داشتن معرفی‌نامه (در صورتی که متقاضی شخص حقوقی باشد) طی ۱۰ روز کاری از تاریخ نشر این آگهی جهت دریافت اسناد مزایده به معاونت پشتیبانی این مرکز مراجعه نمایند. ضمنا آموزشکده (کمیسیون معاملات سازمان سما دانشگاه آزاد اسلامی) در رد یا قبول پیشنهاده‌ها مختار است و هزینه این آگهی برعهده برنده مزایده می‌باشد. نشانی: تهران- جنت‌آباد شمالی- بالاتر از بزرگراه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی (نیایش سابق) - بلوار انصارالمهدی-آموزشکده سما جنت‌آباد روابط عمومی آموزشکده سما تهران- جنت‌آباد